



۴ قانون معامله بر اساس عرضه و تقاضا که هر معامله گری باید آنها را رعایت کند.



https://telegram.me/TRIGGER_Ha



http://www.aparat.com/trigger_ha

نویسنده: TIM

ترجمه و تخلص: نادر اسدی

تریگر پرایس اکشن 



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:



معامله بر اساس نواحی عرضه و تقاضا یکی از استراتژی های محوری است که من در بازار فارکس از آن استفاده می کنم. با وجود اینکه من از سال ۲۰۰۹ بر اساس این نواحی ترید می کنم اما همواره سعی کردم تا جایی که ممکن است قوانینی را بوجود بیاورم که سود دهی معامله بر اساس این نواحی را بیشتر نماید و البته این قوانین بر اساس مکانیزم بازار فارکس تنظیم شده اند. در طی این مقاله شما را با چهار قانون آشنا می کنم که کمک می کنند تا معاملاتتان بر روی نواحی عرضه و تقاضا سود ده باشد.

قانون اول: فقط در جهت های و لو های اخیر معامله کنید.

بسیاری از معامله گرانی که روی نواحی عرضه و تقاضا ترید می کنند بجای اینکه سعی کنند در جهت خود حرکت معامله کنند، به فکر این هستند که بتوانند انتهای حرکت را پیش بینی کنند و بگیرند.

آنچه که معمولاً این معامله گران انجام میدهند این است که تمام نواحی عرضه و تقاضایی که مارکت هنوز به آنها نرسیده است را مشخص می کنند و صبر میکنند تا قیمت به محدوده مد نظر وارد شود. اما معمولاً بیشتر این نواحی عرضه و تقاضا در زمانهای خیلی دوری بوجود آمده اند و این (زمان طولانی) شانس برگشت قیمت را کاهش می دهد.

همزمان با اینکه این معامله گران منتظرند تا بازار به این نواحی عرضه و تقاضای قدیمی که فکر می کنند قیمت را برمی گرداند برسد، تعداد زیادی نواحی عرضه و تقاضا در جهت حرکت جاری در حال شکل گیری است و متأسفانه این معامله گران چون همه تمرکز خود را روی نواحی که پیش بینی برگشت قیمت از آنها را دارند گذاشته اند، از معامله روی نواحی در حال شکل گیری غافل می مانند.

اگر معامله گران تلاش برای پیدا کردن جایی که کل بازار بخوابد برگردد را متوقف کنند و بجای آن تمرکز خود را روی ترید در زونهایی که در حال تشکیل در جهت های و لو های اخیر هستند متمرکز نمایند، به راحتی تریدهای برنده بیشتری نصیبشان خواهد شد.



یک **های** و **لوی** جدید نشانه ای از اینست که مومنتوم جاری رو به بالاست یا پایین. بنابراین با ترید در خلاف جهت این مومنتوم شما به طور ناخواسته خود را در معرض از دست دادن پول بعلت ترید بر خلاف جهت روند قرار داده اید.



در اینجا یک مثال برایتان آورده ام

معامله گر فرضی ما قبل از اینکه قیمت یک **های** جدید را بسازد، یک ناحیه عرضه را در چارت قیمت مشخص کرده بوده. زمانی که حرکت صعودی رخ داده و یک **های** جدید ساخته شده، معامله گر به جای اینکه بدلیل ورود قیمت به زون عرضه و وجود ذهنیت بازگشت قیمت در این زون اقدام به معامله فروش (short) نماید، باید این **های** جدید را بعنوان نشانه ای در نظر بگیرد که قیمت می خواهد بالاتر برود.

چنانچه مشاهده می کنید پس از برخورد قیمت به ناحیه عرضه، قیمت تنها مقدار اندکی را قبل از شکستن دوباره **های** ریزش میکند و می بینید که دوباره یک **های** جدید ساخته می شود و یک زون تقاضای جدید بوجود می آید. زمانی که قیمت به این ناحیه تقاضای جدید وارد می شود یک حرکت به بالای دیگر بوجود می آید و



اگر معامله گر روی این زونهای جدید به جای زون عرضه ای که در اول نشانه گذاری کرده بود، معامله کرده باشد، قطعاً پول بیشتری بدست میآورد، چرا که در واقع معاملات او در جهت مومنتوم جاری بوده است.

- اگر همیشه در جهت **های** و **لو** های اخیر معاملاتتان را انجام دهید فرصتهای بهتری برای انجام معاملات برنده در اختیار خواهید داشت.
- پیش بینی بازگشت های بازار (ریورسال های قیمتی) خیلی سخت است و وقتی هم که بازار برگردد معمولاً فرصت دیگری برای ورود به این حرکت جدید در ابتدای آن وجود خواهد داشت (بازار شانس دیگری به شما خواهد داد)
- بنابر این نیاز نیست که پیش بینی کنید که چه زمانی قیمت بر می گردد، بلکه صبر کنید تا ریورسال بوقوع پیوندد و سپس در جهت جدید بازار معامله کنید.

قانون دوم: روی نواحی عرضه و تقاضای که زمان زیادی از تشکیل آنها می گذرد معامله نکنید

یکی از قوانین اصلی که سم سیدن در سیستم معامله گری خود روی نواحی عرضه و تقاضا وضع کرده است این است که زونهایی که مدتها قبل بوجود آمده اند شانس بیشتری برای موفقیت نسبت به نواحی دارند که اخیراً بوجود آمده اند.

همانطور که در [مقالات اخیر*](#) اشاره کردم این فرضیه اشتباه است و ترید روی نواحی قدیمی ارتباطی با عملکرد تریدرهای بانکی نمی تواند داشته باشد. سم و سایر مدرسین این سبک معامله گری می گویند که نواحی قدیمی به این دلیل کار می کنند که قبلاً کارکرد این نواحی را رصد کرده اند، اما واقعیت این است که علت این اعتقاد آنها اینست که دلیل دیگری برای بازگشت قیمت در زونهای مذکور پیدا نکرده اند.



من قبلا این اشتباه و سفسطه یک سو نگری را در مقاله **معامله گری با استراتژی های چندگانه** * شرح داده ام، و در این مقاله به صورت روشن توضیح داده ام که افرادی که فقط از یک سبک معامله گری استفاده می کنند، چگونه روش منحصر بفرد خود را دلیل همه ی حرکات موجود در بازار در نظر می گیرند.

سم سیدن می گوید علت حرکت قیمت برخورد با نواحی عرضه و تقاضا است. بنابراین معامله گرانی که استراتژی ترید بر اساس نواحی عرضه و تقاضا را از او آموخته اند فکر می کنند که هر بازگشت و ریورسالی از نقطه ی ورود بازار به نواحی عرضه و تقاضا شروع می شود **و این تفکر اشتباه است**. چرا که تنها دلیل بازگشت بازار از یک سطح قیمتی این است تریدرهای بانکی معاملات خود را به قصد تسویه سود ببندند و یا اینکه معاملات جدیدی را به منظور تغییر جهت قیمت فعلی وارد بازار نمایند.

و هر دوی تصمیمات فوق الذکر بانکها بستگی به این دارد که چه مقدار سفارش (مورد دلخواهشان) **در حال حاضر** در بازار وجود داشته باشد. و این موضوع ارتباطی به نواحی عرضه و تقاضا ندارد، البته ممکن است که بانکها معاملات خود را در بعضی از اوقات در قیمتهایی انجام دهند که نواحی قدیمی عرضه و تقاضا هم وجود داشته باشند اما در کل علت حرکت قیمت نحوه انجام معاملات بانکی است .

خود من به شخصه از آنجایی که روی چارت یک ساعته ترید میکنم هر ناحیه عرضه و تقاضایی که بیش از یک هفته از ایجاد آن گذشته باشد را قدیمی در نظر می گیرم و اگر قیمت به چنین ناحیه ای وارد شود من تریدی روی آن ست نمی کنم چرا که اعتقاد دارم این ناحیه ی قدیمی نمی تواند موجب ایجاد حرکت مورد نظر من روی قیمت شود.

قانون سوم - اندازه ی فاصله گرفتن قیمت از نواحی عرضه و تقاضا اهمیتی ندارد.

قانون دیگری که سم سیدن و سایر معامله گران عرضه و تقاضا از آن استفاده میکنند این است که می گویند هر چقدر حرکت قیمت در ابتدا از ناحیه عرضه و تقاضا قویتر و با مومنتوم بیشتری باشد و قیمت فاصله بیشتری از آن





بگیرد، شانس بیشتری وجود دارد که ترید روی آن ناحیه سود آور تر باشد.

علتی که سم سیدن این قاعده را معتبر می داند اینست که معتقد است زیاد تر بودن مقدار دور شدن و فاصله گرفتن قیمت از یک ناحیه، نشانه ی عدم تعادل در آن سطوح عرضه و تقاضا است و بنابراین این مساله شانس بیشتری را برای اینکه وقتی قیمت مجدداً به این سطوح رسید ریورسال کند بوجود می آورد.



برای مثال در نمودار فوق از آنجایی که قیمت از ناحیه عرضه افت شدید کرده ، سم سیدن معتقد است که این ناحیه ی عرضه شانس بالایی برای بازگرداندن مجدد قیمت (از آن) خواهد داشت زیرا در این ناحیه عرضه بیشتری نسبت به تقاضا وجود دارد ، به بیان دیگر ، از آنجایی که ریزش قیمت از آن ناحیه ی عرضه بزرگ بوده معنی آن اینست که فروشندگان بیشتری در آن سطح نسبت به خریداران حضور دارند.

- باید بگویم : اینکه بگویم در یک جایی تعداد خریداران بیشتر از فروشندگان باشد، کاملاً یک افسانه است. خود من در طول سالها شاهد نمونه های متعددی بوده ام که افراد می گویند: اگر قیمت بالا برود به این دلیل است که تعداد خریداران از فروشندگان بیشتر است و اگر قیمت افت چشمگیری داشته باشد همین افراد می گویند که این اتفاق بدلیل تعداد بیشتر فروشندگان نسبت به خریداران بوده است. اما آنچه که این افراد می گویند برای من تفاوتی ندارد و اهمیتی به آن نمی دهم.



می پرسید چرا؟ جوابی که می توانم بدهم اینست: تنها اتفاقی که میتواند قیمت را به بالا حرکت بدهد اینست که سفارشات خریدی وارد بازار شود که از سفارشات فروشی که به بازار وارد شده اند بیشتر باشد و این موضوع قطعاً ربطی به این ندارد که تعداد خریداران از تعداد فروشندگان بیشتر باشد، چرا که ممکن است تنها یک خریدار سفارشات به مراتب بیشتر از هزار فروشنده ای که دارند می فروشند وارد بازار کند و همین امر قیمت را به بالا حرکت می دهد.

- بنابراین **اولاً** اینکه بگوییم قدرت دور شدن قیمت از یک سطح، بر روی کارکرد ناحیه ی مدنظر بخاطر حضور تعداد بیشتری خریدار نسبت به فروشنده است، باوری اشتباه است.
- **ثانیاً** اندازه کندل هایی که دور شدن قیمت از ناحیه مدنظر را بوجود آورده اند نمی تواند نشان دهنده این باشد که سفارشات **که وارد بازار شده اند بزرگ هستند یا کوچک.**

یعنی اگر در هنگام دور شدن قیمت از یک ناحیه ی تقاضا شاهد سه کندل صعودی بزرگ و بلند باشیم، معنیش نمی تواند این باشد که سفارشات خرید بیشتری نسبت به وقتی که شاهد سه کندل صعودی کوچک و کوتاه در هنگام دور شدن از یک زون هستیم بخواهد وجود داشته باشد. در واقع باید گفت اینکه به چه مقدار سفارشات خرید نیاز هست تا قیمت بالا برود، بستگی به این دارد که چه مقدار سفارشات فروش وارد بازار می شود.



تریگر پرایس اکشن TRIGGER



در نمودار بالا تریدرهای عرضه و تقاضا به شما خواهند گفت که ناحیه تقاضای دوم قویتر از ناحیه تقاضای اول است زیرا قیمت از ناحیه دوم فاصله بیشتری گرفته بوده و بیشتر دور شده است، اما من به شما می گویم که مقدار سفارشات خریدی که باعث بوجود آمدن ناحیه تقاضای دوم شده به مراتب کمتر از سفارشات خریدی است که ناحیه تقاضای اول را بوجود آورده اند. خود شما هم با دقت در رفتار مارکت قبل از ایجاد زونهای تقاضا می توانید به همین نتیجه برسید، با دقت در نمودار خواهید دید که قبل از تشکیل ناحیه اول قیمت با سرعت افت کرده و در آن زمان به نظر می رسیده که مارکت می خواهد به این حرکت نزولی و ریزش ادامه دهد، بنابراین تعداد زیادی از معامله گران با این انتظار و امید که قیمت به نزول خودش ادامه می دهد معاملات فروش خودشان را وارد بازار کرده بوده اند. حال اگر همین موضوع را بیایم و در ناحیه تقاضای دوم بررسی کنیم خواهیم دید که قبل از ایجاد ناحیه تقاضای دوم اگر چه قیمت ریزش داشته اما این کاهش قیمت به اندازه ای که در ناحیه اول قابل رویت است نمی باشد.

و معنی مطالب فوق اینست که مقدار سفارشات فروشی که در زمان ایجاد ناحیه دوم وارد بازار شده اند به مراتب کمتر از سفارشات فروشی است که در زمان ایجاد ناحیه اول وارد بازار شده اند.

خوب، اگر معامله گران بیشتری دارند معامله فروش می کنند معینش اینست که سفارشات فروش بیشتری دارد وارد بازار می شود و ورود تعداد بیشتری سفارشات فروش به بازار نیازمند وجود سفارشات خرید بیشتری برای ایجاد یک ریورسال قیمتی است.

بنابراین حتی اگر دور شدن قیمت از ناحیه دوم بسیار بزرگتر از ناحیه اول تقاضا باشد، باید بگوییم که سفارشات خریدی که منجر به ایجاد این حرکت در ناحیه دوم شده اند بسیار کمتر از سفارشات خریدی است که لازم بوده اند تا ناحیه اول بوجود بیاید، چرا که در ناحیه تقاضای اول معامله گران بیشتری وارد معاملات فروش شده بوده اند. تشخیص این امر که کدام ناحیه عرضه یا تقاضا قوی تر از بقیه است باید بر این اساس صورت گیرد که **بدانیم** جایی که ناحیه را پیدا کرده ایم چه رابطه ای را با روند کلی مارکت دارد و اینکه **بدانیم** که چه نوعی از ناحیه عرضه و تقاضا بوجود آمده است برای مثال **رالی بیس دراپ** بوده یا **دراپ بیس رالی**.



قانون چهارم – اطمینان حاصل کنید که مارکت سریع به ناحیه برگشته باشد.

در حالیکه سم سیدن می گوید هرچقدر زمان دوری مارکت از یک ناحیه بیشتر باشد شانس بیشتری برای ترید موفق روی آن ناحیه وجود دارد، من می گویم که هرچه قیمت سریعتر به ناحیه عرضه و تقاضا برگردد احتمال سود دهی معامله در آن ناحیه بیشتر است.

چرا؟ استدلال من این است که اگر بانکها معاملاتی را هنوز مد نظر داشته باشند که وارد بازار کنند و در زمان تشکیل نواحی عرضه و تقاضا موفق به انجام این معاملات به دلیل حرکت قیمت به بیرون این نواحی قادر به انجام این معاملات در قیمت دلخواه خود نشده باشند، کاری که می کنند این است که بخشی از معاملات در سود خود را تسویه میکنند و مارکت را وادار به بازگشت به منطقه ای می کنند که معاملاتشان را قبلا در بازار قرارداد داده اند. که این مناطق می تواند شامل نواحی عرضه و تقاضا هم باشد) و در نتیجه بانکها می توانند مابقی معاملاتشان را در بازار وارد کنند.





در شکل فوق قسمتهایی که با ضربدر مشخص شده نقاطی را نشان می دهد که بانکها معاملات خرید خود را وارد بازار کرده اند. خوب ، در زمانی که قیمت به بالا پرتاب شده و در واقع یک ناحیه تقاضا بوجود آمده ، بانکها هنوز معاملات خریدی دارند که نیاز دارند تا وارد بازار کنند. بنابراین به منظور بازگرداندن قیمت به ناحیه مد نظر بانکها باید مقداری از معاملاتشان خرید موجودشان را در سود تسویه کنند ، و زمانی که بانکها این کار را انجام دادند سفارشات خرید موجود مصرف شده و قیمت شروع به ریزش می کند.

زمانی که قیمت دوباره به منطقه ای که بانکها معاملات خرید اولیه شان را قرار داده بودند وارد شد. سفارشات فروشی را که به تازگی و توسط تریدرهایی که حرکت ریزشی قبلی را در تایم فریم پایین یک روند جدید تشخیص داده اند وارد بازار کرده اند را بانکها مصرف می کنند تا بتوانند کل معاملات خریدی را که مد نظر داشته اند را وارد بازار کنند. و جالب است که بدانید کل این اتفاقات در سه ساعت پس از تشکیل ناحیه تقاضا اتفاق می افتد و اگر قیمت بخواهد پس از تشکیل ناحیه تقاضا همچنان به صعود خود ادامه دهد می توان نتیجه گرفت که بعید است بانکها بخواهند قیمت را به ناحیه مذکور برگردانند چرا که این گذشت زمان نشانگر اینست که بانکها به احتمال زیاد در همان مرحله اول معاملات مدنظر خود را در بازار قرار داده باشند.

خود من در معامله در نواحی عرضه و تقاضا از این قاعده استفاده می کنم که اگر مارکت به ناحیه عرضه و تقاضایی که در تایم یک ساعته یا کمتر پیدا کرده ام ظرف ۲۴ ساعت از تشکیلش برنگردد، نتیجه ای که میگیرم اینست که بانکها احتمالا با این ناحیه ای که پیدا کردم برای انجام و تکمیل معاملات بعدی کاری ندارند.

**امیدوارم از قواعدی که در این مقاله به حضورتان تقدیم شد برای انجام معاملات سودآور بهره بگیرید
پرسود باشید- گروه تریگر پرایس اکشن**